



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۵۲	تاریخ	۱۴۰۳ / ۱۱ / ۰۲
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم					
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»					
عنوان ۳	مبحث جزئیت «بسمله» در سوره های قرآن					
عنوان ۴	ادله جزئیت بسمله در تمامی سور ❖ ۱. تواتر ثبت بسمله در کتابت ❖ ۲. عدم کتابت بسمله در آغاز سوره «برائت» ❖ روایات ➤ روایات خاصه ➤ روایات طرق عامه					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

بحث ما در جزئیت آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» برای سوره حمد و همچنین برای سایر سور قرآنی، به استثنای سوره «برائت» بود. گفتیم در دو بخش بحث می کنیم و ابتدا به جزئیت بسمله برای سوره حمد می پردازیم.

در جلسه گذشته، به روایات متعددی اشاره شد که هم از طرق محدثین مکتب اهل بیت علیهم السلام نقل شده و هم از طرق محدثین عامه که دلالت بر جزئیت بسمله برای سوره حمد داشت.

ادله جزئیت بسمله در تمامی سور

در این جلسه، درباره ادله ای که برای اثبات جزئیت بسمله برای تمامی سور وارد شده، بحث می کنیم؛ زیرا آن ادله نیز در ضمن، جزئیت بسمله را برای سوره حمد، به اثبات می رسانند. به طور کلی، چند دلیل می توان برای این مطلب ارائه داد:

۱. تواتر ثبت بسمله در کتابت

دلیل اول، تواتر ثبت آن در آغاز هر سوره در قرآن کریم، به جز سوره «برائت» است. در کتابت مصاحف، از آن روزی که مصحف در بین مسلمین رواج پیدا کرده بود تا به امروز، هر جا مصحفی نوشته شده و هر مصحفی که از گذشته نیز به دست ما رسیده، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» جزء سوره حمد و سایر سور، به استثنای سوره «برائت»، بوده است. با وجود آنکه مسلمانان احتیاط شدیدی به خرج می دادند که هیچ چیزی در کتابه القرآن به قرآن اضافه نکنند و شدیداً بر این مسأله تأکید داشتند و در عمل می کوشیدند که هیچ چیزی بر متن الفاظ و حروف قرآنی اضافه نشود. این

امر تا بدانجا مورد اهتمام بود که در ابتدا، در کتابت مصاحف، حرکات و حتی نقطه نیز رسم نبودند و بعدها به آنها افزوده شدند؛ اما برای آنکه معلوم شود اینها جزء لفظ نیستند و مثلاً جزء کتابت قبلی نبوده اند، آنها را با رنگی دیگر می نوشتند؛ یعنی در اوایل کتابت قرآن با این تشکیل ها، اعراب ها و نقطه ها، برای رفع چنین شبهه ای، حتی نقطه ها را با رنگ دیگری می نوشتند با آنکه نقطه نیز جزء حرف محسوب می شود. شاید به این دلیل که نقطه و حرکات را علامت حرف می دانستند، نه جزء حرف، برای رعایت این نکته که مبدا چیزی به قرآن افزوده شده باشد، آنها را با رنگ دیگری می نوشتند. با این حرصی که مسلمین در کتابت قرآن داشتند و با اینکه در تمامی مصاحف، همیشه بسمله قبل از سوره نوشته می شده، نشان دهنده این است که تمامی مسلمین، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را جزء سوره می دانستند که در ابتدای هر سوره نیز آن را آوردند و اینکه بسمله صرفاً برای تبرک و تیمن یا برای دلالت بر آغاز سوره و انتهای سوره دیگری نبوده است. «فَاتَّبَعْنَاهُمُ الْبَسْمَلَةَ فِي أَوَّلِ كُلِّ سُورَةٍ مَا عَدَا الْبَرَاءَةَ ذَلِيلٌ وَاضِحٌ عَلَى تَسَالُمِهِمْ عَلَى اعْتِبَارِهَا جُزْءًا مِنْ كُلِّ سُورَةٍ» از این رو، میان مسلمین تسالم بر این مطلب وجود داشته است که بسمله جزئی از هر سوره است.

۲. عدم کتابت بسمله در آغاز سوره «برائت»

دلیل دوم این است که بسمله را در آغاز سوره «برائت» نیاورده اند. اگر قرار بود بسمله صرفاً برای تیمن و تبرک یا دلالت بر فصل میان دو سوره و پایان یک سوره و آغاز سوره بعدی باشد، می بایست در سوره «برائت» نیز آن را تکرار می کردند؛ زیرا آن نیز سوره ای است که از سوره پس از خود جداست؛ ولی در این سوره نیامده و این خود نشان می دهد که این سوره در اصل نزول وحی، دارای بسمله نبوده است، برخلاف سایر سوره قرآنی.

۳. روایات

دلیل دیگر، روایاتی است که هم از طرق محدثین مذهب اهل بیت علیهم السلام وارد شده و هم از طرق عامه که به آنها اشاره خواهیم کرد.

روایات خاصه

اما از میان روایاتی که از طرق مذهب اهل بیت علیهم السلام رسیده، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

روایت کلینی به سند صحیح در «کافی»: عن معاوية بن عمار، قال:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا قُمْتُ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي فَاتِحَةِ الْكِتَابِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ أَقْرَأُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَعَ السُّورَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ»^۱

پاسخ «نعم»، دلالت بر وجوب قرائت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» همراه سوره دارد؛ زیرا اگر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» جزء سوره نبود، خواندنش همراه سوره واجب نمی بود؛ چراکه بنابر مذهب اهل بیت علیهم السلام و فقه اهل بیت علیهم السلام، که در روایات متعدد دیگری نیز آمده، نه اضافه کردن سوره دیگری و نه اضافه کردن آیه دیگری جایز نیست؛ یعنی نمی توان همراه سوره چیز دیگری خواند؛ پس از حمد در نماز واجب، باید سوره را کامل و بدون اضافه کردن آیه ای یا سوره دیگری خواند. اگر

۱. الکافی؛ کتاب الصلاة، باب قراءة القرآن، ح ۱.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» جزء سوره نبود، خواندن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» همراه سوره، واجب نمی شد؛ چنان که در این روایت نیز بدان دلالت شده است.

روایت دیگر کلینی به سند صحیح: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عَمْرَانَ قَالَ:

«كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام» يعني امام جواد عليه السلام - «جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ ابْتَدَأَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي صَلَاتِهِ وَخَذَهُ فِي أَمْرِ الْكِتَابِ فَلَمَّا صَارَ إِلَى غَيْرِ أَمْرِ الْكِتَابِ مِنَ السُّورَةِ تَرَكَهَا؟»

وقتی تنها نماز می خوانده و نمازش به جماعت نبوده، حمد را با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خوانده و بعد که خواسته سوره بخواند، بسمله را قرائت نکرده.

«فَقَالَ الْعَبَّاسِيُّ: لَيْسَ بِذَلِكَ بَأْسٌ»؛

خلیفه عباسی یا فقیه بنی عباسی و دولت بنی العباس در جواب این سؤال گفته بوده اشکال ندارد که وقتی سوره را خواند، بسمله را نخواند.

«فَكَتَبَ بِحَطِّهِ: يُعِيدُهَا مَرَّتَيْنِ»؛

يعني «يُعِيدُهَا مَرَّةً أُخْرَى»؛ حضرت با خط مبارک خود نوشتند: «آن را دوباره بخواند»؛

«رَعِمَ أَنْفِهِ»؛

به رغم نظر عباسی که اصرار داشته سوره بدون بسمله خوانده شود.

روایت دیگر کلینی در «کافی»: بِسْنَدٍ صَحِيحٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي أُذَيْنَةَ فِي حَدِيثٍ:

«حَوْلَمَا أُوحِيَ إِلَى الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله بِشَأْنِ كَيْفِيَّةِ الصَّلَاةِ»؛

در ضمن روایتی که عمر بن ابی اذینه نقل می کند و درباره کیفیت صلاتی است که بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی شده، چنین آمده:

«فَلَمَّا فَرَعَ مِنَ التَّكْبِيرِ وَالْاِفْتِتَاحِ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ»؛

مراد از تکبیر، روشن است؛ اما افتتاح دعای بعد از تکبیر است که «دعاء الافتتاح» نامیده می شود.

«أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: سَمِّ بِاسْمِي»؛

خدا فرمود: «قرائت را شروع می کنی، با اسم من شروع کن»؛

«فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ»؛

که منظور، آغاز سوره حمد است.

«ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ أَمْحَدَنِي فَلَمَّا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

روایت ادامه دارد تا آنجا که می فرماید:

«فَلَمَّا بَلَغَ ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْرًا»

که مستحب است بعد از قرائت سوره فاتحه، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بگویند و استحبابش از اینجا نشأت گرفته است.

«فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: قَطَعْتَ ذِكْرِي فَسَمِّ بِاسْمِي»

فرمود: «دوباره بسمله بگو».

«فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ»^۱

بدین علت بود که در آغاز هر سوره، بسمله قرار داده شد.

پرسشگر:

معظم له: این در معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. بله، خدا تعلیم داده بوده، ولی باز هم می فرماید این کار را بکن، اشکال ندارد.

پرسشگر: «فَسَمِّ بِاسْمِي» دارد.

معظم له: یعنی وقتی می خواهی سوره را بخوانی، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بگو. بعد می گوید: «فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ».

یعنی از قبل بسمله به این علت جعل شده که خدای متعال به حضرت رسول صلی الله علیه و آله دستور داده بوده پس از حمد، سوره را با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع کن.

روایات طرق عامه

اما روایات متعددی نیز از طرق اهل سنت وارد شده که سیوطی تعدادی از آنها را در «اتقان» جمع آوری کرده و ما بخشی از این روایات را از ایشان نقل می کنیم:

«وَيَكْفِي فِي تَوَاتُرِهَا»

یعنی در جزئیت بسمله برای سوره، کفایت می کند:

«إِنْبَائُهَا فِي مَصَاحِفِ الصَّحَابَةِ فَمَنْ بَعْدَهُمْ»

این همان است که ما پیش تر بیان کردیم و یکی از دلایل جزئیت بسمله برای هر سوره، این است که بسمله جزء هر سوره نوشته شده است؛

«يَخْطُ الْمُصْحَفُ»

با همان خطی که مصحف را می نوشته اند، بسمله را نیز می نگاشته اند؛

«مَعَ مَنْعِهِمْ أَنْ يُكْتَبَ فِي الْمُصْحَفِ مَا لَيْسَ مِنْهُ»^۱؛

با وجود آنکه مبنای ایشان بر این بوده که در کتابت، چیزی بر حروف کلمات مصحف افزوده نشود. ایشان در ادامه می گوید:

«وَيُدُلُّ لِكُونِهَا قُرْآنًا مُنْزَلًا»؛

دلیل بر اینکه بسمله در تمامی سور، جزئی از قرآن است، عبارت است از:

«مَا أَخْرَجَهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَالْحَاكِمُ وَغَيْرُهُمْ عَنْ أَمْرِ سَلَمَةَ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ... وَفِيهِ عَدَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آيَةً وَلَمْ يُعَدَّ «عَلَيْهِمْ»^۲؛

در اینجا اختلافی میان ما و عده ای از فقها وجود دارد. کسانی که می خواستند بسمله را حذف کنند، دیدند که سوره حمد، هفت آیه دارد و اگر آن را نیاورند، «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» را یک آیه حساب می کردند؛ یعنی «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را یک آیه، «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را یک آیه، «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را یک آیه، «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را یک آیه، «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» را یک آیه، «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» را یک آیه و «وَلَا الضَّالِّينَ» را هم یک آیه محسوب می کردند که جمعاً به هفت آیه برسد؛ زیرا هفت آیه بودن سوره حمد، مسلم بوده و اگر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نیاورند، یک آیه کمتر می شود. لذا برای جبران آن، تا «عَلَيْهِمْ» وقف می کردند و «وَلَا الضَّالِّينَ» را یک آیه جداگانه به شمار می آوردند. حتی به یاد دارم که در برخی قرآن های قدیم که در برخی کشورهای سنی مذهب چاپ می شد، این کار را می کردند؛ ولی در اینجا می گوید: «وَعَدَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آيَةً وَلَمْ يُعَدَّ «عَلَيْهِمْ»؛ که البته این روایت درباره سوره حمد آمده است.

«وَأَخْرَجَ ابْنُ خُرَيْمَةَ وَابْنُ بَيْهَقٍ فِي الْمَعْرِفَةِ بِسَنَدٍ صَحِيحٍ مِنْ طَرِيقِ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: اشْتَرَقَ الشَّيْطَانُ مِنَ النَّاسِ أَكْظَرَ آيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۳؛

یعنی بسمله را از قرآن کریم حذف کرده اند و جزء سوره به شمار نیاورده اند.

مسأله سرقت در روایات ما هم آمده و از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

«سَرَقُوا أَكْثَرَ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۴؛

سیوطی در ادامه چنین روایت می کند:

«وَأَخْرَجَ ابْنُ بَيْهَقٍ فِي الشُّعَبِ وَابْنُ مَرْدَوَيْهِ بِسَنَدٍ حَسَنٍ مِنْ طَرِيقِ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: أَغْفَلَ النَّاسُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ لَمْ تَنْزِلْ عَلَى أَحَدٍ سِوَى النَّبِيِّ ﷺ إِلَّا أَنْ يَكُونَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ»؛

۱. الاتقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۲۶۷.

۲. همان؛ ص ۲۶۸.

۳. همان.

۴. تفسیر العیاشی؛ ج ۱، ص ۱۹.

از بین انبیاء؛ یعنی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از سوی خدای متعال، با نزول چنین آیه‌ای تکریمی خاص شد، که در نامه آن حضرت - که در سوره «نمل» نقل شده - با بسمله بوده است.

«وَأَخْرَجَ النَّارُفُطْنِي وَالطَّبْرَانِي فِي الْأَوْسَطِ بِسَنَدٍ ضَعِيفٍ عَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: لَا أَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى أُخْبِرَكَ بِآيَةٍ لَمْ تَنْزِلْ عَلَى نَبِيٍّ بَعْدَ سُلَيْمَانَ غَيْرِي»^۱؛

تمام شدن یک سوره و آغاز سوره دیگر را حضرت با نزول بسمله تشخیص می‌داد؛ پس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» از سوی خدای متعال برای هر سوره نازل شده است.

«وَأَخْرَجَ الْحَاكِمُ مِنْ وَجْهِ آخَرَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ الْمُسْلِمُونَ لَا يَعْلَمُونَ انْقِضَاءَ السُّورَةِ حَتَّى تَنْزِلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»»^۲؛

وقتی که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می‌شد، مسلمانان می‌فهمیدند که سوره تمام شده و سوره دیگر می‌خواهد آغاز شود؛

«فَإِذَا نَزَلَتْ عَلِمُوا أَنَّ السُّورَةَ قَدْ انْقَضَتْ»؛

حاکم در ادامه گفته:

«إِسْنَادُهُ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ»^۳؛

این روایت، بر اساس شروط صحتی که بخاری و مسلم برای صحت روایت بر شمرده‌اند، صحیح است و آن شروط را دارد؛ لذا با همان ملاک‌ها، صحیح محسوب می‌شود.

«وَأَخْرَجَ الْحَاكِمُ أَيْضًا مِنْ وَجْهِ آخَرَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كَانَ إِذَا جَاءَهُ جِبْرِيلُ فَقَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عَلِمَ أَنَّهَا سُورَةٌ»^۴؛

وقتی جبرئیل بسمله می‌گفت، حضرت می‌فهمید که قرار است سوره‌ای جدید را شروع کند. پس بسمله را جبرئیل نازل کرد؛ و خدا در قرآن می‌فرماید: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ ...»^۵.

«وَأَخْرَجَ الْبَيْهَقِيُّ فِي الشُّعَبِ وَغَيْرِهِ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: كُنَّا لَا نَعْلَمُ فَضْلًا بَيْنَ السُّورَتَيْنِ حَتَّى تَنْزِلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»»^۶؛

«وَأَخْرَجَ الْوَاحِدِيُّ مِنْ وَجْهِ آخَرَ عَنْ نَافِعٍ عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: نَزَلَتْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي كُلِّ سُورَةٍ»^۷؛

۱. الاتقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. همان؛ ص ۲۶۹.

۳. همان.

۴. سوره شعراء: ۱۹۳ و ۱۹۴.

۵. الاتقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۲۶۹.

۶. همان؛ ص ۲۷۰.

۷. همان؛ ص ۲۷۰.

به همین مقدار کفایت می‌کنیم. بنابراین، اصل اینکه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» جزء سوره حمد و هر سوره دیگری به جز سوره «برائت» است، میان مسلمین، از نظر روایات و سیره ایشان، جزء مسلمات بوده و جای بحث ندارد. عجیب است که گاهی برخی از فقهای ما تحت تأثیر این حرف‌ها قرار گرفته‌اند و بسمله را در سوره، واجب نمی‌دانند. خلاصه، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در هر سوره، جزء آن محسوب می‌شود و خواندنش از واجبات است؛ از این رو، اگر کسی عمداً سوره را بدون آن بخواند، نمازش ناقص و باطل است.

پرسشگر: ...

معظم‌له: می‌گویند متعلق «باء» مابعد «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است؛ لذا معنایش متفاوت است. وجهش نیز این است که متعلق جار و مجرور در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * المر» فعلی مانند «أَبْتَدِئُ» نیست؛ بلکه متعلقش خود مابعد بسمله است و معنای جار و مجرور با معنای متعلقش فرق می‌کند. مثلاً اگر گفتید «رَفَعَ بِكَذَا»، معنایش با «أَشَارَ إِلَيْهِ بِكَذَا» فرق دارد؛ لذا معنای جار و مجرور، وابسته به متعلق آن است؛ درست مانند سایر حروف. مثلاً «جَلَسَ عَلَى الْأَرْضِ» با «مَشَى عَلَى الْأَرْضِ» در معنا تفاوت دارند؛ چون «عَلَى الْأَرْضِ» که متعلق دو فعل «مَشَى» و «جَلَسَ» است، معنای متفاوت با یکدیگر دارند. در تمامی حروف، چنین است و معنای جار و مجرور نیز به تبع متعلقش متفاوت است. قبلاً خواندیم که بسیاری از مفسران می‌گویند متعلق بسمله فعلی محذوفی مانند «أَبْتَدِئُ» است، اما حضرت امام علیه السلام می‌فرماید متعلق آن فعل محذوف نیست؛ بلکه همان مابعد بسمله است؛ یعنی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * المر» یا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين